رد کارپت

23 دی 1400

حسن لطفي

فرش قرمز محصول تفكر ايراني نيست. در اين شكي ندارم! همان‌طور كه شك ندارم سينما هم اختراع ما نيست. مبل، صندلي، كت، شلوار، اتومبيل، پيتزا، سوسيس و خيلي چيزهاي ديگر هم از جاي ديگري وارد ايران شده است. با خودش هم آداب و تشريفات خاصي آورده است. بد هم نيست! زندگي را قابل تحمل‌تر كرده است. نمي‌توانيم مثل آقايي مدعي باشيم مدرنيته و دستاوردهايش بد است و براي بيان اين ادعا از همه دستاوردهايش استفاده و از سنت دفاع كنيم. (مثل گادفري رجيو كه چند سال قبل با هواپيما مسافت زيادي را در زمان اندك طي كرد و به جشنواره فيلم فجر آمد تا بعد از پخش فيلم زندگي بدون توازن در سينمايي كه محصول مدرنيته بود پشت ميكروفن برود و به دستاوردهاي دوره جديد بتازد) يا همانند آقايي (گمانم مهندس حجت) باشيم كه در اواسط دهه شصت در جشنواره سينماي جوان، به ماهيت غربي سينما تاخت.

او معتقد بود سه پايه به ما ايراني‌ها نگاه از بالا به پايين دارد، مي‌گفت ما ايراني‌ها روي زمين مي‌نشينيم و همين باعث اين اتفاق مي‌شود. ادعا مي‌كرد دوربين به عنوان چشم سوم نامحرم است و وقتي وارد حريم ما مي‌شود....

بگذريم ترسم اين است كه گذر سال‌ها به نقل نادرست آن گفته‌ها برساندم! البته در اينكه برايش سينما دستاورد غرب بود و بايد پي ايراني كردنش مي‌بوديم شكي ندارم. تفكري كه سال‌هاست دنبال مي‌شود. شده يا نشده را درست نمي‌دانم. فقط خوب مي‌دانم فرهنگ‌ها روي هم اثر مي‌گذارند. همان‌طور كه فرش دستباف ايراني وارد كشورهاي ديگر مي‌شود فرش قرمز كشورهاي ديگر هم وارد ايران مي‌شود. با زور هم نمي‌توانيم جلوي اين رفت و برگشت را بگيريم. يك بده‌بستان طبيعي است. آن كه قدرتمندتر باشد تاثير بيشتري مي‌گذارد. (منظورم قدرت نظامي و فيزيكي نيست، چراكه خودتان در تاريخ زورمندان زيادي را سراغ داريد كه نتوانستند با زور جايي در فرهنگ و تمدن پيدا كنند و باورهاي خودشان را به ديگران بقبولانند و ماندگار كنند).

براي همين بهتر است به جاي سياسي كاري و برخورد سياسي با فرهنگ تن به اجراي برنامه‌هاي نو و تازه‌اي بدهيم كه قدرت داشته باشد ديگران را مجاب كند. شرط اول چنين اتفاقي احترام به ديگران است. گمانم غرب‌ستيزي به شكل رجزخواني راه‌حلش نباشد. پاسخگويي، نگاه مهربان، خود را مدار دنيا ندانستن و... راه‌حل بهتري است.